



لنز بازی

تأثیر لنز در سینما و عکاسی
از پایه تا آنامورفیک و دکوپاژ

داوود مرادیان



انتشارات ساقی

لنز بازی

داوود مرادیان

نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۱، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

طراح جلد: احسان حسینی

ویراستار: مرتضی جانبخش، سمیه عظیمی ستوده

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ: صدف

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۵۰-۱۷-۴

در این کتاب املائی واژگان، براساس دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات ساقی محفوظ است.

مرادیان، داوود، ۱۳۵۸ -

لنز بازی / داوود مرادیان.

تهران: ساقی، چاپ اول: ۱۳۹۷، چاپ دوم ۱۴۰۱، ۲۸۰ ص: مصور (رنگی).

ISBN: 978-622-7650-17-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. دوربین های فیلمبرداری

۲. Motion picture cameras

۳. دوربین های عکاسی

۴. Cameras

۵. عدسی های عکاسی

۶. Photographic lenses

ردمبندی کنگره: ۱۳۹۷ ج۴ / ۲۸۸-TR

ردمبندی دیویی: ۷۷۸/۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۰۳۵

دفتر: ۸۸۸۰۴۸۴۶، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، بخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

۹.....	مقدمه
۱۷.....	واژگان
۵۵.....	کراپ فکتور سنسورها و لنزها
۱۰۱.....	لنزهای متعارف، سینمایی و زمان گذشته
۲۳۹.....	آنامورفیک
۲۶۵.....	تجربه آنامورفیک
۲۷۵.....	تست‌های مهم
۳۰۱.....	شیوه ارائه شده توسط نگارنده برای نخستین بار در ایران
۳۵۱.....	مساله‌ای به نام کادر بندی

مقدمه

سابقه اولین موتورسواری من برمی گردد به زمانی که ۱۳ یا ۱۴ ساله بودم. موتورسواری متفاوت ترین اتفاق آن دوران بود و مسیر ورود به مرحله جوانی. جوانی برای هرکسی از جایی یا به طریقی شروع می شود؛ برای یکی با کلاس بدنسازی و برای دیگری با موتورسواری. و شاید انجام همه این ها با هم می شود و ورود به دوره جوانی.

سر صحنه سریال «ستارگان زمینی» از مدیر تولید خواستم سوئیچ موتور را بدهد دنبال کاری بروم که اوقصد انجامش را داشت. من دستیار سه بودم و این فرصت یک تیر و دو نشان بود. هم موتورسواری را «تجربه» و هم خودم را در چشم مدیر تولید شیرین می کردم. سوار شدم. نه می دانستم گازش کجاست و نه ترمزش. فقط سوار شدم، فشاری به دسته گاز دادم و چند متر آن طرف تر خوردم زمین. با خودم گفتم مدیر تولید سریال قطعاً این اتفاق را نخواهد بخشید و فراموش هم نخواهد کرد، اما در کمال تعجب او با خنده سراغم آمد و گفت من هم دقیقاً همین طور سوار موتور شدم. لنز و دوربین دیجیتال برای آدم دنبال «جستجو» همین معنا را دارد؛ سوار می شوی و گاز می دهی. اولین تجربه سینمایی کوتاه من نیز دقیقاً مثل ماجرای موتورسواری ام

رقم خورد. از ته مانده فیلم سینمایی «زندگی» نگاتیوهای زمان خورده را که برای فیلمبرداری داخلی طراحی و ساخته شده بود به جای دستمزد یک پروژه دیگر از تهیه کننده گرفتم. نگاتیوهای REALLA 500 و ETERNA 500 یخچال خانه را پر کرد. این نگاتیوها برای فیلمبرداری در شب و داخلی در روز طراحی شده، نه فضای باز و فیلم تقریباً جنگی. به عنوان یک فیلمساز مستقل و از طبقه پایین اجتماع دست به ریسک بزرگی زده بودم. سنسیتوی فیلم را هم «غلامرضا آزادی» دیده و معتقد بود این فیلم لایه آبی ندارد و ساخت کار با آن در روز روشن «جنون» است. جنون حساب شده اما پاسخی داد؛ فیلم «داستان جنگ» در سال ۱۳۸۸ ساخته شد و در چند جشنواره بین المللی متوسط هم جایزه گرفت. همان سال این فیلم در جشنواره فیلم کوتاه تهران شرکت کرد اما هیأت داوران به هیچ بخشی از فیلم توجه نکردند؛ نه صداگذاری خوب کار (تمام فیلم به صورت صامت ضبط شده و صداها بعد ساخته شد) و نه به هنر دست علی رشیدی فر، فیلمبردار-دقت کنید که از عبارت فیلم استفاده کردیم و این مسأله، شأن مدیر فیلمبرداری که با این نگاتیو، آن تصاویر را ثبت کرده می‌رساند-داستان جنگ آن سال حتی در لیست نامزدها کنار عده ای DSLR باز قرار نگرفت و این اتفاق وقتی جالب تر می شود که بگوییم نمره این فیلم از فستیوال میکس کانادا برای فیلمبرداری

۸/۵ شد. پس باید قبول کنیم در ایران سینماگر مستقل اگر بخواهد هم نمی‌تواند از سد نگاه‌های باندی و دسته‌ای بگذرد؛ پس آموزه اولی که تیم ما در این فیلم آموخت این بود: «مستقل بودن هزینه دارد» و آموزه دوم هم این که، بعدها مشخص شد همین انتخاب شدن نیز از لطف حضور دوستی در هیأت انتخاب بوده است.

تجربه کار با نگاتیو ۳۵ میلیمتری برای من همزمان شد با ورود گسترده دوربین‌های Canon EOS 5D Mark II که در زمانی کوتاه این شانس را در اختیار همه کسانی که توان تهیه‌اش را داشتند قرار می‌داد تا بتوانند با کیفیت ۸۰:۱۰۸۰ و عمق میدان بسیار اندک از تمام توانایی و امکانات موجود در لنزها بهره ببرند. نمی‌توانید باور کنید چه انقلابی بود؛ ما که تا آن زمان دوربین‌های Betacam sp را به DV cam رسانده بودیم و در بهترین حالت دوربین‌های P2 را به علت آن که این دوربین عمق رنگ خوب ۲:۲:۴ را ارائه می‌داد می‌خریدیم، حیرت‌زده بودیم که با ورود DSLR می‌توانستیم هر فوکال لنزی را که در عکاسی دیده بودیم روی فیلم‌های مان ببینیم، تست کنیم و لذت ببریم. این کتاب درباره این لذت‌هاست با کمی چاشنی واقع‌گرایی.

کتاب‌های بسیاری درباره حوزه‌های مختلف عکاسی نوشته شده است؛ از نورپردازی‌های آتلیه‌ای که نرم‌افزارهای مختلفی نیز برای‌شان طراحی شده تا انواع و اقسام آموزش‌های مربوط به «چگونه صدروزه

عکاس شویم» اما این کتاب درباره این ها نیست. این کتاب درباره لذت عکاسی، تصویربرداری و فیلمبرداری به صورت کاملاً شهودی و تجربی است.

نوجوان که بودیم در کوچه پس کوچه های جنوب شهر، ۲ قطعه سنگ را به عنوان دروازه قرار می دادیم و در قالب ۲ تیم فوتبال بازی می کردیم. عمر بازی براساس تعداد گل بود؛ مثلاً دوازده تایی و هنگامی که دو تیم، یازده یازده می شدند بازی به ۲ کشیده می شد؛ یعنی اولین تیمی که با اختلاف ۲ گل بیرد برنده بازی است، حالا هر قدر بازی طول بکشد. در یکی از این بازی ها من و خواهرزاده ام در همان دقایق اول گل زدیم و یک - هیچ جلو افتادیم. خواهرزاده من خوشحال از گل زدن داد می زد: «بخورید سوراخا، سوراخا!» و البته آن بازی را در نهایت ما سیزده - یازده بردیم اما کتک سیری هم خوردیم تا بی دلیل همان دقیقه اول ادعا نکنیم و توهم مارادونا بودن نزنیم. عصر دیجیتال یعنی دوران تجربه کردن همه چیز، يك آشفتگی لذت بخش یا گاهی اعصاب خردکن دقیقاً مثل همان فوتبال. مثلاً تا پیش از دوران دیجیتال فیلمبرداران در هر سطحی از دانش فنی، به این سادگی حاضر به انتقال تجربه به نسل بعدی نمی شدند. نسل بعدی هم که این تجربه را یاد می گرفت چون برایش زجر زیادی می کشید قدر آن را می دانست. اما این وضع با ورود به عصر دیجیتال تبدیل به تناقضی

شد که پیش‌تر گفتم و سبب ایجاد يك لذت از امکان تجربه ارزان و زودبازده همزمان با سرخوشی حاصل از آن. این متأسفانه همان واقع‌گرایی است که در مواجهه با آن ذوق زده، رؤیاپردازی کردیم. برخی هم دلشکسته و سرخورده شدند که چرا دیجیتالِ عالم گیر اصلاً شبیه نگاتیو نیست. شاید به این دلیل که دیجیتال هرکسی را که دست به گوی جادویی اش می‌برد سریع رشد می‌داد و این زودرسیدن به مقصود قیمت آموزه رازیر سؤال می‌برد و شد آن چه امروز تجربه می‌کنیم. دیگر الزامی نیست استاد تصویربرداری یا عکاسی باشید، شیمی بدانید یا تمام کاتالوگ‌های مربوط به لابراتوار را از بر کرده باشید؛ کافی است ۵ دور بین دور بازیگران بچینید تا در کمترین زمان یک سریال را ضبط کرده و به پرکارترین‌های دوران خود پیوندید و پول پارو کنید، یا ماشه را بچکانید و به لطف فتوشاپ منظره‌ای با پرتره‌ای را ثبت کنید. این همان تناقض اجباری نسل جدید است. تناقضی که البته پایدار نیست. آرام آرام تب دیجیتال که بی‌پروایی را بانفی گذشته گره زده، سرد خواهد شد و دوباره بی‌پروایی به معنای محض آن لذت ژرف و نشنگی خاص خود را به علاقه‌مندان واقعی عکاسی و سینمای مستقل خواهد بخشید.

داستان این کتاب و ادبیاتی که برای نگارش آن به کار رفته دقیقاً همین است. این کتاب، داستان تجربیات جوانی است از جنوب

پایتخت با جیبی خالی که با سری پرسودا و خسته از فضای ارباب - رعیتی سینمای سنتی، به محض ورود به دنیای دیجیتال وارد تجربه‌های جدید و متنوعی شده و همه را اینجا با شما در میان گذاشته است.

در پایان نکته مهمی را مدنظر باید بگیریم. ما به عنوان کاربران لنزها و دوربین‌ها با مفاهیمی روبرو هستیم که برای هر کدام از آنها به صورت رسمی و غیررسمی واژگانی قرار داده‌اند. هر واژه نیز مترادف‌هایی دارد. لذا در این کتاب به صورت مستمر با همه واژه‌ها روبرو خواهید شد. مثلاً: [وضوح کشی، فوکوس کشی]

[خط نور، فیلر، نور اضافه]، [آب کامل، فول، فول فریم]، [لنز واید، لنز زاویه باز]، [لنز بسته، لنز تله]، [هالف فریم، کراپ سنسور، سنسور دارای ضریب]، [عدسی بزرگنما، فیلتر کلوزآپ]

ابیراهه رنگی، خطای رنگی، CA، ابیراهی رنگی، همه یک مفهوم دارند اما در این کتاب گاهی CA، گاهی خطای رنگی و گاهی ابیراهه رنگی را خواهید دید.

دلیل این شکل از درج که شاید با حالت عادی نگارش یک کتاب چندان سازگار نباشد، منابعی است که کاربر بعد از آشنایی با لنزها با آن برخورد خواهد داشت. اگر کاربر فقط با CA آشنا باشد، هر کجا دو عبارت دیگر را ببیند باید برگردد و مترادف‌هایش را از اینترنت جستجو

■ مقدمه

کند. این جستجو به صورت یک آموزش ناخودآگاه در این کتاب رخ خواهد داد. کاربر آنقدر همه واژگان مترادف را می بیند و می خواند که در نهایت عموم آنها در ذهنش بنشینند.

www.ketab.ir